

تمثال زمستان در شعر نیما یوشیج و محمد الماغوط بر پایه نقد بوم‌گرا (مطالعه موردی: قصیده شب سرد زمستانی و قصیده حرب الأعصاب)

۱. صابره سیاوشی*، ۲. زینب مهدوی پیلهور**

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۷)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه تطبیقی کارکرد زمستان در سروده‌های دو شاعر ایرانی و سوری، «نیما یوشیج» و «محمد الماغوط» و بر پایه نقد بوم‌گرا صورت گرفته است. نقد بوم‌گرا نقدی است که تأثیر موقعیت فیزیکی بر شکل‌گیری فرم و محتوای یک اثر را مورد توجه قرار می‌دهد. همچنین، نحوه ارتباط و تأثیر متقابل سه محیط طبیعی، مصنوعی و اجتماعی در قالب این نقد بررسی می‌شود. زمستان به عنوان یک پدیده طبیعی همواره مورد توجه شاعران بوده است و ایشان در آثار خود به عنوان نماد، یا حتی به مثابه یک پدیده طبیعی به آن پرداخته‌اند. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است که بر پایه مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی به چگونگی رابطه میان اهداف شاعر و محیط طبیعی می‌پردازد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که زمستان در شعر نیما، القاگر بی‌احساسی و استبداد حاکم بر جامعه است و نیز نمادی برای اوضاع نابسامان اجتماعی به شمار می‌آید. اما در شعر ماغوط، زمستان دارای هویتی مستقل است. هر دو شاعر به محیط زیست خود اهمیت می‌دهند و طبیعت برای هر دوی ایشان، پناهگاهی برای ایمنی یافتن از آسیب‌هایی است که خود انسان مسبب آن می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، نقد بوم‌گرا، زمستان، محمد الماغوط، نیما یوشیج.

* E-mail: saberehsivashi@yahoo.com (نویسنده مسئول)

** E-mail: zmpilehvar@gmail.com